

نامه سرکشاده محفل روحانی ملی بھائیوں ایران

در مورد تعطیل تشکیلات

نامه سرکشاده محفل روحانی ملی بهائیان ایران
در مورد تعطیل تشکیلات

ناشر: محفل روحانی ملی بهائیان آلمان

نامه سرگشاده محفل روحانی ملی مجسمانیان ایران در مورد تعطیل تشکیلات

اخیراً جناب آقای دادستان مخترم کل انقلاب اسلامی کشور طی مضاف جدایی که تن آن در برابر منتشر گردیده، پس از ایراد اتهاماتی ناروا بر جامعه بهائی ایران محکوم شد. ما نحن جمعی از بهائیان که بحرامی و اعی و مجبور و صرفاً باعلت اعتقاد ایشان اعدام یا دستگیر و زندانی شده اکثر اینوز محاکمه نگردیده اند ادا نمده کار تشکیلات دینی و روحانی بهائی را ممنوع اعلام نمودند و عضویت در آن را حرم دانستند.

برای این جامعه و هر ناظر منصف بی غرضی جای تعجب تا سفاست که ولایة امور و ملاذ جمهور علی الخصوص هل قصاکه در پی کشف حقیقت و درک و قیمت قضایا سالها عسر و وقت خود را مصرف میدارند یا اگر در جمله یا کلمه ای و در ادای حرفی یا ختمه ای یا کسرهای شبهه ای حاصل شود ساعتها به کتب متعدد مراجعه مینمایند تا صحیح آن معلوم گردد چگونه بخود روا میدارند اتهاماتی ناروا را چنین بی پروا و بی ترس از روز جزا بر جمعی مظلوم و بی گناه وارد سازند بی آنکه خود به آنچه میگویند کاملاً معتقد باشند یا لا اقل در مورد مدعا تحقیقی ولو ناچیسنه انجام داده باشند؟ و گویا باو نمیدارند روز داوری.»

جناب آقای دادستان باز افسانه و داستان بی پایه و بی مایه جاسوسی بهائیان را عنوان نموده اند بی آنکه لا اقل مدرکی ابرار و دلیلی ایان کنند، بی آنکه توضیح فرمایند اینهمه جاسوس در یک مملکت به چه کاری مشغولند و چه اجناس را از کجا میاورند و به کجا میبرند و بچه منظوری چنین میکنند؟

پیر مرد دشتاد و پنج ساله یزدی که هرگز بازده خود بیرون نهاده چگونه جاسوسی است؟ و این جاسوسان ادعا ایشان چرا هرگز خود را پنهان نمی سازند؟ چرا عقیده خود را کتمان نمی نمایند؟ چرا به لطافت لیل نمی کوشند تا در اوارا و مراکز خبری راه یابند؟ چرا تاکنون در هیچ جای جهان یک جاسوس بهائی دستگیر نشده؟ جوانان مصل و بانوان

خانه دار و دوشیزگان معصوم و مردان زمان کهن سال بهائی که بی گناه بچوبه دار سپرده شدند یا هدف تیرتصیب و عدوان گردیدند کشتگان روستائی بهائی مستر افوس ، چیگان ، قلعه ملک (حومه اصفهان) و تیره نوک پیرجنبد چگونه می توانستند جاسوس باشند؟ چه مدارک و وسائل جاسوسی از آنها بدست آمد؟ کودکان دبستانی که از مدارس اخراج گردیدند چگونه جاسوسی می کردند؟

و امی عجب که جناب دادستان شاید ننمیدانند و یانمخواهند بدانند که جاسوسی جزئی از سیاست است و عدم دخالت در سیاست از اصول مسلمه دیانت بهائی است و از طرف دیگر بهائیان بوطن خود عشق میوزند و هرگز ادنی خیانتی بوطن را جانز نمی دانند .

حضرت عبدالبهاء جانشین شارع امر بهائی میفرماید :

« هر ذلتی را تحمل توان نمود مگر خیانت به وطن و هر گناهی قابل عفو و مغفرت است

مگر خنک ناموس دولت و مضرت ملت . »

اتهامات دیگر جناب دادستان محترم انقلاب همه از این قبیل است . نسبت خلافتکاری و خرابکاری بجهت بهائی می دهند و بعنوان مثال عمل کثیف احتکار را که جامعه بهائی از آن بیزار است عنوان میکنند و بر اساس مصاحبه که ساختگی بودن آن اظهر من الشمس است و بموقع خود طی بیانیته ای دلائل مشروح اعلام گردیده ، عملی را که انجام آن بجلی مردود است و نامعقول دستور تشکیلاتی تلقی میفرمایند و بسیار زیرکانه از کنار این نکته میگذرند که چگونه میتوان با احتکار مثنی لوازم یدکی که اکثر خارج از رده بوده و بضرر صحت مدعا مثلاً هفتاد میلیون تومان قیمت داشته باشد که میتواند کالای موجود هر فرومگاه متوسط لوازم یدکی باشد دولتی را که بانهایت قدرت و توان روزانه صد میلیون تومان مخارج گوناگون دارد ، ساظم نمود و اگر ایشان تشکیلات بهائی را جاسوسی میدانند لااقل باید جاسوس را نقد زیرک و عاقل بدانند که برای براندازی حکومتی و رژیم متقدمی لوازم یدکی ذخیره نکنند . بل خلافتکاری و خرابکاری

مورد او چنان است و مشابهش آنچه در داستان دایره سفینی اصفهان واقع گردید که پس از متمم ساختن این مجسمه منگوم و اعدام نمودن هفت بیگناه از بهائیان یزد مجبور بودن داستان بوسید و داستان گل کشور اعلام و اعلان گردید. از جمله اتهامات وارده جمع آوری وجوه و ارسال به ممالک خارج است ای عجب اگر مسلمین بر اساس اعتقاد آسمانی و محترم روحانی خویش میلیونها تومان وجه بکربلا و نجف و بیت المقدس یا سایر اماکن مُتبرکه که خارج از ایران هستند تا بخر اعتبار مقدسه مبارکه اسلامی گردد بسیار پسندیده است ولی اگر بهائی مبلغی ناچیز آنهم در ایامی که ارسال ارز مجاز بوده است نه در وضع حاضر برای تعمیر و نگهداری اماکن مقدسه برای جامعه بین المللی خود بفرستد ذبی است لایعقر و دلیل است بر تقویت ممالک دیگر.

از این قبیل اتهامات بسیار است و تحقیق در مورد هر یک کاری دشوار نیست تنها فوسنی منصف و بی طرف و قضاتی خداترس میجوهد تا بطلان یکایک اشکار شود و جامعه بهائی اکیداً تمثیل میکند به این اتهامات با حضور هیئت منصفه ای مرکب از قضات و ناظرین بین المللی در منظر عمومی رسیدگی گردد تا یکبار و برای همیشه خط بطلان بر مجموع اتهامات کشیده شود و دیگر تکرار نیابد.

و اما در طی پنج سال اخیر اصول اعتقادات بهائیان مکرراً اعلام و اعلان گردیده و چون ظاهراً عمدتاً با هوا مورد توجه است از تکرار اتهامات از طرف یکی از عالیترین مقامات مسئول دلیلی است بر اینکه زانم مکرر برگزیده به لحاظ سروران فائز شده مجدداً یاد آوری میگردد که:

دیانت بهائی به یکتائی و عدل ذات الهی متفکر و معترف است و حتی قدیر اذات غیب منبع لایدرک می شناسد و مقدس از صعود و نزول و دخول و خروج و تجسم و تجسد میدانند.

دیانت بهائی که بنحیض نادیده فرد احد و احد صد و صد و لا شریک له معتقد و درگاه عظمتش را ساجد و بکلیه ادیان مقدسه آئی مؤمن است جمیع پیغمبران از آدم تا خاتم رافت ما دگان بر حق آئی می شود و آنان را مظهر هر طور حق در عالم خلق

و کتب آنان را من جانب الله میداند .

به استمرا فیض آبی و بقای روح و عالم بعد و پاداش و مکافات اکیداً معتقد است و تنها دیناتی از بین ادیان موجود است که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را پیغمبر برحق و مستر آن مجید را کلام الله میداند .
دینت ببنائی دارای اصول و احکام مستقل است ، کتاب آسمانی مستقل دارد ، حج و عبادات دارد .
فرد جهانی نماز میگذارد و روزه میگذارد بر بنای اعتقادات خویش و زکوة میگذارد و بمرععات جمیع صفات و شیم پسندیده و محبت جمیع انبیا بشر و خدمت به عالم انسانی و جانفشانی در سبیل خیر و فلاح هموعان خویش مأمور است و از ارتکاب اعمال ناشایست ممنوع .

حضرت عبدالبها میفرماید :

« بهائی را بصفت شناسنده باسم و بخلق پی برنده بحبسم . »

حضرت شوقی ربانی ولی امر جهانی میفرماید :

« ... هر نفسی که خود را به شیم و حل تقدیس و تقوی و اخلاق مزین ندارد او بجهائی متعلقی نه

و لولاینکه به این اسم موسوم و موصوف و معروف ... »

و نیز میفرماید :

« اجبائی الهی مأمور بر سیرکاری و خیرخواهی و بردباری و تقدیس و تنزیه و تعظیم

از ماسوی الله و تجرد از شئون دنیا و اخلاق و صفات آئینه بستند ... »

احکام و تعالیم دینت بهائی کل مدل بر این حقایق است کتب و آثاری که خوشبختانه از منازل بهائیان بوفور بیغافته و برای مسئولین امور قابل دسترسی است مُصدق این مطالب .

بهائیان بر اساس اعتقادات روحانی خویش در سیاست دخالت نمی نمایند باعزب و دسته و گروه ملت

یا ایده نولوژی و فلسفه سیاسی خاصی مؤافقت یا مخالفت ندارند و از امور مشوشه سیاسی بگلی بسینار و برکنار
حضرت ولی امر الله فرموده اند :

«... اهل عباد رطل هر دولت و حکومتی بصدق و صفا و امانت و سخوی زقار نمایند
ز نشنه شهرتند و نه طالب ریاست نه اهل ریا و تملقند و نه در پی جاه و مکتب طلب
مسند و مقامند و نه اسیر ربه و نشان از تظاهر و خود نمائی مستغفرتند و از استعمال
توهه بیره شمشیر از ماسوی الله چشم پوشیده اند و بوعده های محکمه مولای خویش دل
بسته ... از خود گذشته اند و بفتح عموم پرداخته ... از وظایف سیاسی اجتناب
و احترام نمایند و وظائف اداری را بدل جان متبول کنند زیرا مقصد اصلی اهل
تقدم و پیشرفت مصالح ملت است ... اینست طریقت بهائیان اینست مسلک روحانی
و ماعداه ضلال همین .»

نویسنه بهائیان بموجب تعالیم عالیله خویش ملزم و مکلف باطاعت از حکومتند .
در این مورد نویسنه حضرت شوقی ربانی میفرمایند :

«... اهل عباد مأمور باطاعت و انقیاد دولت مقبوعه خویشند و اثبات صداقت و
خیرخواهی خویش نسبت به اولیای امور ... باید بهائیان در جمیع اقطار کلاً و طراً من دون
استثناء مطیع و متقاد اوامر قطعیه و دسترارهای صادره از مصادر حکومت خویش گردند
و تسلیم شوند و بصدقت تمام اجراء و تنفیذ حکم حکام خویش را نمایند...»

هر چند تشکیلات بهائی در فی خیرخواهی جمیع ملل و نخل ندارد و قدیمی برخلاف مصالح جمهور برنمیدارد و برخلاف آنچه
از مخالفت اسمی بزمین راه می باید هیچگونه مشابهتی با تشکیلات معموله در احزاب سیاسی نداشته ابداد امور سیاست

و حالت نمیکند و خود باز دارند و هرگاه بهائی از فعالیت های مخرب سیاسی است و نقطه نظرگاهش تحسین اخلاق است
 و تعمیم معارف از ازل جبل و نادانی و وضع تعصبات است و حکیم اساس دین حقیقی در قلوب و نفوس اعتماد بنفس است
 و اجتناب از تقلید ... راستی و صداقت است و صبر است و شجاعت است، ترویج صنعت و زراعت است
 تعلیم اجباری دختران و پسران تا نگید در امانت و دیانت است و وقت در حسن معاملات تفهیم و تدقیق در علوم و
 فنون زمان است و ترویج مصالح مبنوعان ترویج صداقت و اطاعت به احکام مشروطه دولت و حکومت است
 و احترام و تکریم و معاونت ارباب علوم و هنر و صناعت معاونت نیازمندان و محتاجان از تمام مذاهب و فرق
 است و همکاری و بهم قدمی با هموطنان در خدمات عام المنفعه . بطور خلاصه آنچه را حضرت روحانیون در ادیان
 سایر بطور فردی و انحصاری بعهده دارند تشکیلات بهائی بنحوی جمع و اشخاصی بعهده دار است .

هر چند اظهارات جناب دادستان محترم کل انقلاب مبتنی بر مبانی قانونی بنظر نمی رسد و برای محدود ساختن افراد
 و محسوم ساختن آنان از حقوقی که قانون از ایشان دریغ نداشته تصویب قوانین خاصی آنهم بشرطی که مبانیست با
 قانون اساسی کشور نداشته باشد ضروری است و هر چند در طی سنوات اخیر که بیاسیست بر اساس اصول عدل الهی
 که دیانت حق اسلام مانند همه ادیان متعالیه و موحد بدان معتقد است تفضیلات و تبعیضات و فشارهای ۱۳۳۵ ساله
 بر طرف کرده یا لا اقل تخفیف یابد و حقایق باقی نظری تحقیق شود متأسفانه بر اساس سوء تفاهات یا تعصبات دینیه
 مشکلات بمراتب اضافه شد و ابواب بلا از هر طرف بر وجه بیایمان مظلوم و ستیدیه ایران مفتوح و کلیه حقوق حق آنان
 سلب گردید و برابر تحریکات متابعه از ناحیه و لایه امور و ملاذ جمهور و بعضی روحانی نمایان فقرات و تهتمهای وارد
 رسماً و من غیر رسم او امر غیر مشروع و غیر قانونی صادر از مراجع شرعی و قانونی چسبیدار جانمای پاک که بی گناه
 هلاک گردیدند و چسبیدار سرهای بلند و سینه های از جنسند که زینت دار یا آماج تیر بارگشت چه مقدار اموال که بیگنا
 رفت یا مصادره گردید چه نفوس مستضعفان و دانشمندی که با تحمل خرب و شکنجه حکومت بزند انهای طویل المدت شده و هنوز

باجه فضائل تخصص های خود که می توانست در خدمت دولت و ملت قرار گیرد در گوشه زندانهای مظلوم بسپر میسزند و چند کارمند فداکار که عسری را در نهایت پاکدامنی بخدمت دولت سپری نموده اند بصرف تعصبات فراوان از کار برکنار و بعسرت و بی چیرگی و نیاز گرفتار گردیدند و حتی ارباب مشاغل خصوصی در بسیاری از موارد از استخدام بهائیان ممنوع شدند .

بسیاری از مؤسسات خصوصی بهائیان مصادره و بسیاری از کسبه با ابطال جوایز کسب از ادامه کار محروم گشتند جوانان بهائی از ادامه تحصیل در بسیاری از مدارس و در کلیته دانشکده ها و مؤسسات عالی ممنوع گردیدند و دانشجویانی که در خارج از ایران بودند از دریافت هزینه تحصیل و سایر دانشجویانی که میخواستند در خارج ادامه تحصیل دهند بعلت ممانعت از خروج ارزتیت خود محروم گردیدند از خروج اسرار بهائی حتی بیمارانشان مشرف به موتی که تنها راه نجات آنان مرآه جبهه به مؤسسات طبّی خارجی بود ممانعت شد . گورستانهای بهائی مصادره گشت و جنازه از قبور بیرون کشیده و شد و چو باروزها که جنازه ای بر زمین ماند شاید اجازه ای تحصیل شود و مکانی تحویل گردد از خاک برش دارند و بجاکش سپارند . هم اکنون هنراران بهائی که از خانه و آشیانه محسوم شده به جبر یا بموجب قانون نفی بله گشتند از دهات و مسکن خود رانده شده اند در سایر بلاد ایران آواره و سرگردانند و بلجاً و پناهی جنبه آستان حضرت سنان و عطفوت دوستان و بستگان ندارند .

جای تأسف است که رساله های گروهی و جبهه مند و مجلات نه میخوانند و نه میستوانند و نه مجازند که از آنچه بر جبهه بهائی ایران وارد میاید شرحی بنویسند یا خبری بنگارند اگر مجاز بودند و بی طرف اخبار روزمره را مینوشتند چه مجموعه ها که از شقاوت بشری و مظلومیت بی گناهان شرعاً هم نمیکردید .

مثلاً اگر مجاز بودند مینوشتند که هفت راد مرد و ده شیر زن بهائی شیراز که هفت نفر آنان دختران کم تر از سال بودند در نهایت قدرت روحی پشیماندا حاکم شرع را برای تبری از اعتقاد حتی کتمان عقیده ظاهری پذیرفتند

مرگ در میدان را بر کمان ایمان متحشردند و پس از ساعتها اشطراب تشنه چادر را کفن خویش ساختند و پتیا دار را بشق حقی دادار بوسه زدند و جان بجان آفرین سپردند و البته ناظران این صحنه پر بلا برای قائلین کربلا با وجود شقاوت بی منتی بروی درقات زکیمه شمشیر نکشیدند و بیماران را نیا زردند طلب آمرزش نمودند .
افسوس که زبانها بسته و قلمها خشک است و از این مظالم بر ملا نمیگردد تا عبرت جهانیان شود .

بر ادعای جناب دادستان محترم اینها جاسوسند و ای عجب که در همه تاریخ کجاست میتوان جاسوسی را نشان داد که برای اثبات حقیقت اعتقاد خویش از جان دست بشوید ؟ متاسفانه در این نامه جای آن نیست که بلا یی وارده بر بهائیان بی گناه ایران بیان گردد و یا بیجا یک اتهامات وارده پاسخ گفته شود . لکن تنها از صاحبان حق و انصاف سؤال میشود اگر بموجب بیانات جناب دادستان بهائیان را بعلت عقیده و ایمان نمیگیرند و اعدا نمیکنند و حتی بر زندان نمی اندازند چگونه است که وقتی جمعی از ایشان را بجرم واحدی دستگیر میکنند مثلاً بجرم جاسوسی هر یک از ایشان که تبصری کند و ترک اعتقاد کند بلافاصله آزاد میشود و بعنوان نوعی پسر زوری عکس تفصیلاتش در جبهه اند منعکس میگردد و عزت و احترام می بینند ؟ این چگونه گناه جاسوسی و خرابکاری و احکار و محاربه و توطئه گری است که باز تند از اعتقاد پاک میشود ؟ آیا خود همین دلیل بی پایه کی اتهامات اردو نیت ؟
با اینهمه جامعه بهائیان ایران برای اثبات حسن نیت و بر اساس اصول اعتقادی خویش در اطاعت تام از ادم

دولت و حکومت که مبانی آن قبلاً در این بیانیه تشریح گردیده تعطیل تشکیلات بهائی را در سراسر ایران اعلام میدارد و از این پس تا زمانی که انشاء الله سوگتافات بر طرف گردد و حقایق لا اقل بر ولایة امور روشن و آشکار شود
محصل ملی و کلیه محافل روحانیه محلیه و بجات تابعه آنها تعطیل است و هیچ فردی عضو تشکیلات بهائی شناخته نمیشود .

جامعه بھائی ایران امیدوار است این اقدام نشانه اطاعت کامل جامعه از حکومت وقت تلقی گردد و ولایة امر من جمله جناب دادستان محترم انقلاب اسلامی که انظار میدارند با همه ادبهای مخالفت و معاندتی نداشته و کبرت

تعداد آنان مُتقر و متصرفند و وجود و حق حیات و آزادی اعتقاد و مراسم مذهبی فردی آنان را رسماً در مُصاحبه مطبوعاتی خود تضمین نمایند. متقابلاً حُسن نیت و صدق اطهارات خویش را عملاً اثبات نموده دستور فرمایند که از این پس:

- ۱- از ادامه آزار و اذیت و دستگیری و زجر و شکنجه بهائیان تحت عناوین واهی و بی اساس مُنگا هرداری آنان در زندانها خودداری گردد چه هم خدا میداند و هم ولایة امور که گناه این بی گناهان تنها اعتقادات ایشان است نه اتهاماتی که بر آنان وارد میآوردند.

۲- امنیت جان، مال و نوامیس آنان را تضمین نمایند.

۳- آزادی اختیار، مسکن، شغل و معاشرت ایشان را بر اساس موازین قانون اساسی جمهوری اسلامی تأمین نمایند.

۴- با توجه بانجارات جناب دادستان کل کلمه حقوق مسلوبه احقاق و اعاده گردد.

۵- حقوق حقه کارمندان بهائی را با اعاده آنان به مشاغل و پرداخت مطالباتشان تأمین نمایند.

۶- کلیتہ زندانیان بی گناه را از زندان آزاد کنند.

۷- از اموال مصادره یا توقیف شده بهائیان که در وطن خویش از اموال خود محروم مانده اند رفع مراحمت شود.

۸- اجازه داده شود برای تحصیل بهائی که میخواهند در خارج از کشور تحصیل کنند مانند سایر اقران امکانات لازم فراهم شود.

۹- اجازه داده شود جوانان بهائی که در داخله از ادامه تحصیل محروم گردیده اند تحصیل ادامه دهند.

۱۰- اجازه داده شود برای تحصیل بهائی که در ممالک خلیج از هزینه تحصیلی محروم گردیده است تا مناسلی مانده اند تا

سایرین از تحصیل ارسال گردد.

۱۱- گورستانهای بهائی اعاده فرموده و اجازه فرمایند مُردگان طبق مراسم مذهبی خویش دفن گردند.

۱۲- آزادی بهائیان برای اجرای مراسم دینی خودشان در شیع و تدفین و نماز بر مُردگان و در ازدواج و طلاق

و سایر احوال شخصیته و عبادات تضمین شود چه که بهائیان اگر در امور اداری که تعلق بمؤسسات و تشکیلات بهائی دارند

کلاً و تماماً مطیع و تابع حکومتند بموجب عقاید روحانی خویش در امور وجدانیه و فردیه شهادت را بر انکار و ترک او امر الهی ترجیح میدهند .

۱۳ - از این پس نفوسی را بجرم عضویت قبلی آنان در تشکیلات بهائی دستگیر و زندانی نفرمایند .
در خاتمه هر چند امری به جناب دادستان کل انقلاب اسلامی دور از انصاف و عدالت بود بکلم و طیفه دینی تقدیم و از درگاه خداوند بکیت رجاء داریم بمدد الهامات و امدادات غیبی خویش بجا تصب از نواد اولیای محترم امور بر داید و بر حقایق امور جامعه بهائی آگاه سازد تا یقین نمایند که جوهر ستم بر جمعی مظلوم و ابراق دماء برینه خدایستایان برای بیخ ملت و حکومتی مشکون ثواب نداشته و آنچه باقی و برقرار خواهد ماند نیکی و عدل داد و نام نیکو کاران است که تاریخ زمان در سینه خود بامانت حفظ خواهد کرد .

با تقدیم احترام
مجلس روحانی ملی بهائیان ایران
(۱۲ شهریور ماه ۱۳۶۲ شمسی)

Published by the National Spiritual Assembly
of the Bahá'ís of Germany
November 1983